

چکیده

انسان همواره در طول تاریخ به دنبال معنا و هویت خود در هر پدیده ای بوده است. این معنا و هویت به خصوص در معماری عصر حاضر به شدت رنگ باخته است و مکان های هویت‌مند و شاخص گذشته که مختص به منطقه و اقلیم خاص خود بوده اند، تبدیل به معماری نسبتاً یک شکل بی هویت و بی معنایی شده است که در برخورد با آن، نه حس مکان و نه حس تعلقی به مخاطب القا نمی شود و حتی نمیتوان عمده ی بناهای جدید را به عنوان نشانه ای شاخص از منطقه یا شهر محسوب نمود. از سویی دیگر عملکرد گرایي صرف مراکز درمانی موجب ایجاد یک دلزدگی شدید در اکثر مراجعه کنندگان به این کاربری ها شده است که گاهاً به همین دلیل دلزدگی و بی انگیزگی حاصل از برخورد با مکان، در روند درمانی مراجعه کنندگان وقفه های طولانی بوجود آمده است و یا بطور کامل متوقف شده است؛ چرا که نتایج تحقیقات نشان داده است که محیط مناسب می تواند موجب تسریع در بهبودی بیمار شود و بالعکس .

همچنین با توجه به ورود منطقه ی گیلان به سیاست رقابتی توریسم سلامت، تا حد امکان مناسبتر است که به ضعف های درمانی این منطقه که امکان جذب ویژه ی گردشگر سلامت را داشته باشد، پرداخته شود. این تحقیق سعی دارد که با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و تحلیل منطقی حاصل از آن و سپس طراحی معماری همه ی فضاها، مجتمعی تفریحی - درمانی در رشت را پیشنهاد دهد که با رویکرد معماری منطقه گرای انتقادی و ترکیب عناصر معماری و محیطی شاخص منطقه ی گیلان که به نوعی هویت و معنای عظیمی را با خود به همراه دارد، روح و جان دوباره ای به کالبد بی روح مراکز درمانی ببخشد و علاوه بر هویت‌مندی هرچه بیشتر مکان، با نگاهی به ضعف های درمانی منطقه و تکیه بر طراحی شفابخش، به ارتقای تویسم سلامت منطقه نیز کمک نماید.

واژه های کلیدی : مجتمع درمانی -تفریحی، منطقه گرای انتقادی، هویت، حس مکان